

# بال‌انگیز نمایش



این دوره بودیم اما باز هم این فروش نتوانست هزینه‌ها را جبران کند. بنابراین نمی‌توانیم از فعالین عرصه نمایش کودک انتظار نمایش‌هایی فاخر داشته باشیم اما معتقدم باید انتظار داشته باشیم که سطح کار به لحاظ مفهومی و معنایی برای کودکان مفید، لذت‌بخش و موثر باشد و به مخاطب آسیبی وارد نکند. همانگونه که خودم به عنوان کارگردان مدام مراقب بودم که کلمه‌ای در اثر به مخاطب آسیب نزنند و اگر بدهای است در راستای نمایش و اهدافش و در راستای روانشناسی امروز پرورش کودک باشد.

## رسول قنبری، بازیگر:

### سعی می‌کنم در اجرا، جای فکر کردن به مخاطب بدهم

در این نمایش نقش آقای کشاورز را با چاشنی کمدی و حرکات بدنی فانتزی اجرا می‌کنید. از اهمیت این کمدی در نمایش کودکان بگویید.

شخصاً به آثار و کارهای کمدی علاقه‌مند هستم به خصوص که امروزه مردم مادرگیر مشکلات و سختی زیادی هستند و این مشکلات و سختی‌ها به کودکان نیز انتقال پیدا می‌کند و به صورت ناخودآگاه و ناخواسته بچه‌ها تحت‌الشعاع این مسائل قرار می‌گیرند. در کار برای بچه‌ها و این گونه آثار که به کودک و نوجوان مربوط هستند من همیشه یک سری تیپ‌ها را در نظر می‌گیرم و فکر می‌کنم که چگونه می‌توان این نقش را به صورت کمدی ارائه کرد و چگونه باید با ساختار طنزی که ایجاد می‌کنم دیالوگ‌هایی که می‌تواند جنبه آموزشی داشته باشد و مفاهیمی را به کودکان انتقال دهد را ادا کنم. از نظر من چگونه بیان کردن این دیالوگ‌ها برای کودکان بسیار مهم است. در تمام این سال‌هایی که در مهد کودک‌ها با کودکان کار می‌کردم بالغ بر ۱۲۰ قصه تولید کردم و این خود بچه‌ها بودند که ایده اکثر این قصه‌ها را به من می‌دادند و از ری‌اکشن‌هایی که در طول اجرا از مخاطبان می‌گرفتم متوجه می‌شدم که چگونه باید در صحنه باشم تا مخاطب بتواند با نقش و پیام نمایش ارتباط برقرار کند. باید توجه کنیم که علاوه بر کودکان، نوجوانان نیز مخاطب آثار ما هستند نوجوانانی که امروز درگیر فضای مجازی هستند و نشان دادن آنها پای یک نمایش خیلی سخت است. من و همه بچه‌های این گروه چند ماه زحمت کشیدیم تا بتوانیم این نقش‌ها را به گونه‌ای ارائه کنیم که بچه‌ها لذت ببرند و پیام نمایش را دریافت کنند.

تیپ‌سازی شما برای نقش آقای کشاورز از نظر ژست‌های بدنی گاهی تداعی‌گر ژست‌های چارلی چاپلین است.

اساتید قدیمی مثل لورل و هاردی، چارلی چاپلین هر کدام سبک و تکنیکی داشتند که نه تنها من و امثال من بلکه بازیگران بزرگ سینما و تئاتر نیز از همین تکنیک‌ها استفاده کرده و با اصلاح کردن و شاخ و برگ دادن به آن نقش‌ها را از آن خود می‌کنند. در واقع ما بیشتر از خلق مجدد می‌توانیم از یک سری بازی‌ها و تیپ‌ها اقتباس کنیم. البته من در حین پرداخت این نقش چنین ذهنیتی نداشتم و به آقای چاپلین فکر نکرده بودم اما احتمالاً آن گریم، کلاه، کت و نوع راه رفتنی که در این نقش دارم تداعی‌کننده چاپلین بوده و برای من هم خیلی جالب شد.

### از تعامل با مخاطب کودک و حذف دیوار چهارم بگویید.

در سبک نمایشی کار کودک و نوجوان آن دیوار چهارم اکثراً وجود ندارد در کارهایی که خودم اجرا کردم که تلفیقی از نمایش ایرانی و نمایش‌های کلاسیک است نیز هیچ وقت دیوار چهارمی در میان نبوده و این ارتباط مستقیم با تماشاگر کودک یا نوجوان همیشه از اساس کارم بوده است. در واقع سعی می‌کنم در اجرا، جای فکر کردن به مخاطب بدهم. گاهی در آثار کودک و نوجوان می‌بینم که به مخاطب این فرصت داده نمی‌شود و پیش از آن که دیالوگی را شنیده و هضم کند دیالوگ‌های دیگری گفته می‌شود بنابراین در بازی خودم همیشه فاصله‌گذاری می‌کنم و این فاصله‌گذاری را با تعلیق در بازی‌ام ایجاد می‌کنم تا بچه‌ها و مخاطبان متوجه دیالوگ و مفهوم آن حرف و دیالوگ و هدف بازی بشوند ولی متأسفانه برخی از بازیگران دیالوگ‌ها را خیلی سریع و در هم می‌گویند و این باعث می‌شود بچه‌ها به درستی دیالوگ‌ها را متوجه نشوند.

مخصوصاً در نمایش‌های پر بازیگر مثل نمایش ما بچه‌ها باید به اندازه هر بازیگری در ذهنشان جا خالی کنند، دیالوگ‌هایش را بشنوند، درک کنند و این تکه‌ها را به صورت یک پازل کنار هم بچینند تا به مفهوم کلی نمایش برسند و من هم در این نمایش تلاش کردم تا با درشت کردن برخی از بازی‌ها، یا طنز خاصی که به آن اضافه می‌کنم و چه در آکسان‌گذاری‌ها و تعلیق ایجاد کردن فرصت کافی برای درک دیالوگ و بازی را برای مخاطب فراهم کنم.

مناسب آهنگ است و در واقع باید تعاملی بین من کارگردان و آهنگساز و شاعر برقرار می‌شد تا این اتفاق به درستی بیفتد و شاعر کار خانم زهرا حق‌جویی باید با استفاده از کلماتی که در آن صحنه به کار برده شده بود مفاهیمی که در دیالوگ‌ها نبود را بیان می‌کرد. از آنجایی که همه مردم شهر با هم این ترانه‌ها را می‌خوانند من خیلی دوست داشتم که سبک آهنگسازی ارکسترال باشد. بنابراین آقای نصرتی از سبک ارکسترال و پاپ استفاده کردند و از هر سبکی رنگی در آهنگ‌های نمایش گنجاندند. کودک‌کانگی آهنگ‌ها نیز خیلی اهمیت داشت اما نه به معنای خردسال بودن بلکه به معنای کودک امروز که همه جور خوراک موسیقایی را دریافت می‌کند. در واقع ما می‌خواستیم کودک هم لذت ببرد، هم ارتباط بگیرد و در عین حال یک موسیقی سلامت را بشنود.

### پس از اجرا در کانون نمایش «رویسای کلمه کار» به کدام سالن می‌روید؟

هنوز به صورت قطعی مشخص نشده اما قرار است اجراهای بعدی در یک سالن خصوصی باشد چون بخاطر قیمت پایین بلیط کانون حتی نیمی از هزینه‌هایی که انجام شده به تهیه کننده برنگشت. تهیه کننده ما آقای رضا جباری انسان شریفی هستند که از ابتدا گفتند انتظار سود ندارم اما می‌خواهم در کنار تولید یک اثر خوب و فاخر اصل سرمایه‌ام باز گردد. البته من معتقدم که قیمت بلیط کانون باید همواره پایین باشد اما در کنارش باید کمک هزینه‌ای به گروه‌ها داده شود و اساساً به همین دلیل بسیاری از آثار کودک ساده هستند چون بودجه‌اش را ندارند و من هم اگر تهیه کننده نداشتم مجبور بودم هم تعداد بازیگرانم را کمتر کنم و هم هزینه‌ها را به شکلی پایین بیاورم که بتوانم به همکارانم دستمزد بدهم. با اینکه ما پر بازدیدترین نمایش کودک

در زمینه حرکت و فرم با حامد نصرآبادیان همکاری کرده‌اید که نامی شناخته شده در جامعه دانشگاهی تئاتر هستند. این همکاری چگونه شکل گرفت؟

آقای نصرآبادیان جدا از استادی‌شان در کار حرکت بسیار با اخلاق، رفیق، همراه و شریف هستند. ایشان هم‌کلاسی من بودند و ما بعدها فهمیدیم که در کلاس‌های پانتومیم آقای شاملو نیز هم‌کلاس بوده‌ایم اما تا این نمایش با هم کار نکرده بودیم. این همکاری برای من آورده فراوانی داشت اینکه ایشان چقدر دلسوز و همراه بودند و اصلاً اینگونه نبود که صرفاً یک نگاه پروژه محور به این نمایش داشته باشند و تا این لحظه حداقل در ده اجرا حضور داشتند و بعد از دیدن کار در مورد حرکت و فرم‌ها پیشنهادشان را مطرح می‌کنند. بازیگران ما نیز هیچکدام رقصنده نبودند و در واقع بازیگرانی هستند که همواره با دیالوگ و بدن ساده روی صحنه بوده‌اند اما با تمرینات آقای نصرآبادیان و تلاش و همکاری بازیگران به هماهنگی لازم در حرکت و فرم رسیدند. بنابراین کار با آقای نصرآبادیان برای من یک همکاری شیرین و آغاز رفاقتی است که امیدوارم در آثار بعدی هم ادامه پیدا کند.

شعرهای نمایش کودک و موسیقی هم در ایجاد ارتباط کودک با نمایش بسیار موثر است. شما در طراحی این بخش نمایش چه نقشی داشتید؟

بخش موسیقی جزو اولین کارهایی بود که من بلافاصله بعد از اتمام نوشتن نمایشنامه به شدت درگیرش شدم و با آقای محمد نصرتی آهنگساز کار جلسات متعددی داشتیم. هر صحنه را می‌خواندیم و در رابطه با حس صحنه حرف می‌زدیم و همزمان هم باید شعرها سروده می‌شد و این بسیار مهم است که ترانه سرایی شود یعنی شعری که